

نگاهی به جنبش کارگری ایران در سال گذشته

## مبارزات کارگران اشکال رادیکال‌تری می‌یابد

با یاد «فرهاد» عزیز، که پیگیری و بررسی جنبش کارگری ایران نیز یکی از دلمشغولی‌های همیشگی‌اش بود.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اعتراض به عدم پرداخت حقوق به مدت یازده ماه، در برابر کارخانه اجتماع کرده بودند، با تهاجم پلیس «ضد شورش» روبرو شدند که منجر به زخمی شدن چندن تن از کارگران معترض گردید.

جدول شماره ۱: انگیزه‌های اعتراضات و حرکت‌های جمعی کارگران

در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

انگیزه‌ها		۱۳۸۲ (درصد به کل)	۱۳۸۳ (درصد به کل)
عدم دریافت حقوق و دیگر مطالبات	۳۰	۳۱	
توقف تولید - تعطیلی	۱۳	۱۲	
اخراج، بازخرید و بلا تکلیفی	۲۱	۱۴	
خصوصی سازی	۸	۵	
خواست افزایش حقوق و مزایا	۱	۶	
اعتراض به تصمیمات مدیریت	۶	۶	
اعتراض به تصمیمات سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار	۱۱	۶	
سایر	۱۰	۲۰	
جمع	۱۰۰	۱۰۰	

x - محاسبه بر مبنای تعداد کل حرکت‌های جمعی کارگران در هر سال که اخبار و گزارش‌های مربوط به آنها در رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است.

دومین موضوع اعتراضات و حرکت‌های جمعی کارگران در سال پیش، مسئله اخراج، بازخرید اجباری و یا رها کردن کارگران شاغل به صورت بلا تکلیف بوده است. باید یادآور شد که بخش بزرگی از این اخراج‌ها و بیکارسازی‌ها، مقدمه و یا نتیجه بلاواسطه خصوصی سازی مؤسسات تولیدی و خدماتی دولتی بوده که در این دوره هم ادامه داشته است. اعتراض به توقف تولید و یا تعطیلی موقتی یا دائمی کارخانه‌ها - که طبعاً بلا تکلیفی و بیکاری شاغلان آنها را به دنبال می‌آورد - نیز یکی دیگر از انگیزه‌های حرکت کارگری بوده است. به طور کلی، مقاومت در برابر اخراج و بازخرید اجباری، خواباندن تولید و تعطیلی کارخانه‌ها و همچنین خصوصی سازی واحدها، در مجموع، زمینه بیش از ۳۰ درصد اعتراضات جمعی کارگران در سال گذشته را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال، کارگران کارخانه «آونگان» اراک، در اعتراض به واگذاری این واحد بزرگ صنعتی به «ثمن بخش» به بخش خصوصی، در آذر ۱۳۸۳، به تجمع در محل کارخانه دست زدند که به مدت ده روز ادامه داشت.

بررسی جنبش کارگری ایران در سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که هرچند از لحاظ موضوعات و انگیزه‌های حرکت‌های جمعی کارگران، تفاوت چندان زیادی مشاهده نمی‌شود، اما مقاومت‌ها و مبارزات کارگران در مقایسه با دوره قبل (سال ۱۳۸۲)، اشکال نسبتاً رادیکال‌تری به خود می‌گیرد.

با ادامه تهاجمات گسترده دولت و شرکای سرمایه‌دار آن علیه باقیمانده حقوق و دستاوردهای کارگران و زحمتکشان، اعتراضات و حرکات دسته‌جمعی کارگری در سال گذشته نیز، عمدتاً خصلت تدافعی داشته است. نبود تشکل‌های مستقل و آزاد کارگری، همچنان، مانع بزرگی در راه ثمربخشی مورد انتظار، گسترش و تقویت جنبش کارگری بوده است، اگرچه در این دوره اقدامات و حرکت‌های قابل توجهی از سوی کارگران در جهت پایه‌ریزی تشکل‌ها و نهادهای صنفی مستقل آنها نیز آغاز شده است.

بررسی جنبش کارگری ایران در سال ۱۳۸۳

در این نوشته، بر مبنای مجموعه اخبار و گزارش‌های مربوط به اعتراضات و حرکت‌های جمعی کارگران که در رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است، صورت می‌گیرد. بدیهی است که در شرایط سانسور و اختناق حاکم بر میهن‌مان، خبرهای مربوط به جنبش جاری کارگران نیز به طور کامل منعکس و منتشر نمی‌شود. همچنین اخبار راجع به حرکات کارگری در واحدهای کوچک و متوسط، و یا در شهرستان‌ها و مناطق دورافتاده، از امکان انتشار بسیار اندکی برخوردارند. با وجود اینها، مطالعه و جمع‌بندی اخبار و گزارش‌های منتشره در رسانه‌ها هم، تصویری تقریبی از وضعیت جنبش کارگری در این دوره به دست می‌دهد. مقایسه این وضعیت با دوره پیش از آن نیز، می‌تواند به شناخت بهتری از جنبش جاری طبقه کارگر ایران یاری رساند.

## انگیزه‌ها

برپایه مجموعه اخبار و گزارش‌های حرکت‌های دسته‌جمعی کارگران در سال گذشته، مهمترین موضوع و انگیزه این حرکت‌ها، عدم دریافت حقوق و دیگر مطالبات معوقه و همچنین عدم پرداخت حق بیمه (که از دستمزد کارگران کسر می‌شود) از جانب مدیران و کارفرمایان بوده است (حدود ۳۱ درصد تعداد کل حرکات). مقایسه این نسبت با دوره قبل نیز به روشنی نشان می‌دهد که این مسئله کماکان یکی از معضلات عمده کارگران شاغل است (جدول شماره ۱) و کارفرمایان و مدیران بنگاه‌های خصوصی و دولتی، به بهانه‌های گوناگون از پرداخت دستمزد ماهانه و یا دیگر مطالبات مزدی کارگران نیز طفره می‌روند و این تعویق و تعلل در پرداخت دستمزدها حتی از ۶ ماه و یک سال هم تجاوز می‌کند. چنان که مثلاً حدود ۵۰۰ کارگر «ریسندگی و بافندگی فومنت» که یک بار در شهریورماه و باری دیگر در بهمن گذشته، در

نفر از فعالین کارگری، درباره خواست تأمین فعالیت آزادانه سندیکاها، در مهرماه و همچنین بیانیه دیگری از سوی همان «هیأت مؤسسان» در این رابطه در اسفندماه، نمونه‌های دیگر از حرکت‌های جمعی علنی در این زمینه محسوب می‌شود. چند هزارتن از کارگران و فعالان کارگری بیانیه‌ای را امضا کردند که از طرف «کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری در ایران» خطاب به وزارت کار و سازمان‌ها و نهادهای کارگری بین‌المللی، در بهمن گذشته انتشار یافته بود.

این گونه حرکت‌ها، در جهت فائق آمدن بر پراکندگی موجود و پی‌ریزی نهادهای صنفی مستقل کارگران به صورت فراگیر و سراسری، چنان که می‌دانیم، هنوز در آغاز راه و نیازمند هرگونه پشتیبانی از جانب نیروها و نهادهای چپ، دمکرات و ترقیخواه است. لکن با همه سرکوبگری‌ها و فشارهای دستگاه‌های حکومتی برای جلوگیری از شکل‌گیری این نهادهای آزاد و مستقل، به نظر می‌رسد که گام‌های اولیه‌ای که در این راه برداشته شده است، با همراهی خود کارگران، ادامه و گسترش خواهد یافت.



اشکال

بررسی مجموعه اخبار و گزارش‌های راجع به حرکت‌های جمعی کارگران، که طی سال گذشته انتشار یافته است، بیانگر آنست که در سال ۱۳۸۳، نسبت به سال ۱۳۸۲، اعتراضات و حرکات کارگری اشکال رادیکال‌تری پیدا کرده است (جدول شماره ۲). هرچند که در این دوره نیز، مثل دوره قبلی، ارائه و ارسال شکایت شفاهی و کتبی دسته جمعی، تهیه عرضحال و طومار و نظایر اینها، شکل غالب اعتراضات را تشکیل می‌دهد، اما دیگر اشکال و شیوه‌های اعتراض و اقدام حلق‌طلبانه کارگران، به صورت قابل توجهی، رو به افزایش گذاشته است (در این بررسی، صدها هزار شکایتی که سالانه کارگران در هیأت‌های حل اختلاف و مراجع قضایی و غیره مطرح می‌کنند، منظور نشده است).

در این دوره، اقدام به تجمع، به عنوان یکی از راه‌های اعتراض و دادخواهی، رواج بیشتری یافته و نسبت آن از ۲۷ درصد به ۳۶ درصد کل حرکات کارگری بالارفته است. این تجمعات، همه موارد اجتماع اعتراض آمیز کارگران در برابر ارگان‌های اصلی و مرکزی (مجلس، قوه قضاییه، وزارتخانه‌ها) و ارگان‌های محلی (استانداری، فرمانداری، ادارات کار و تأمین اجتماعی) و همچنین در مقابل دفاتر مرکزی شرکت‌ها و مؤسسات و یا جلوی خود کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و خدماتی را در بر می‌گیرد. چنان که، مثلاً، اعتراضات کارگران کارخانه «بهمن پلاستیک» تهران در خصوص عدم دریافت حقوق و خطر تعطیلی کارخانه، که از آبانماه تا پایان سال گذشته ادامه داشت، از تجمع در مقابل وزارت کار شروع شده و به اجتماع در برابر مجلس رژیم انجامید. معدنچیان «اسفندقه» بافت، در اعتراض به عدم پرداخت

اعتراض به تصمیمات مدیران واحدها و همچنین اعتراض به تصمیمات و اقدامات مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و وزارت کار رژیم، در مورد نقض و یا عدم اجرای قوانین و مقررات موجود، اعمال تبعیض و اجحاف و نیز عدم رسیدگی به خواستها، از جمله انگیزه‌های مهم دیگر حرکت‌های جمعی کارگران در دوره مورد بررسی بوده است. بخش بزرگی از این گونه اعتراضات نیز در ارتباط با عدم اجرای قوانین موجود و یا تفسیر دلبخواهی مقررات ناظر بر بازنشستگی در کارهای سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پیش از موعد از جانب سازمان تأمین اجتماعی بوده است. کارگران مزارع نیشکر «کشت و صنعت کارون» از آن جمله بودند که در اعتراض به تصمیمات یک‌جانبه «کمیته» مربوط به تشخیص کارهای سخت و زیان‌آور، در آبانماه، به راهپیمایی پرداختند. در شرایطی که از هر سو تعرضات و فشارهای فزاینده‌ای به باقیمانده حقوق و دستاوردهای کارگران صورت می‌گیرد، و در وضعیتی که معضل بیکاری، با همه تبعات فاجعه‌بار آن، در جامعه ما هر سال ابعاد وحشتناکتری می‌یابد، خواست عادلانه افزایش حقوق و مزایا کمتر امکان بروز پیدا می‌کند. با این همه، سال گذشته شاهد رشد چشمگیر این خواست، به عنوان انگیزه اصلی تعدادی از حرکت‌های جمعی کارگران بوده است. حدود ۱۷۰۰ تن از کارگران «پارس مینو» (خرم‌دره)، به خاطر افزایش حقوق و «حق سنوات»، در دی و بهمن گذشته، اقدام به اعتصاب و تجمع کرده و موفق به قبولاندن بخشی از خواسته‌هایشان هم شدند. تعدادی دیگر از این دسته از حرکات اعتراضی نیز در ارتباط با تعیین حداقل دستمزد به وسیله «شورای عالی کار» و نقض تعهدات قبلی از جانب آن بوده است.

بخشی از سایر انگیزه‌های اعتراضات کارگران در این دوره - که نسبت به دوره پیشین هم افزایش شدیدی را نشان می‌دهد - مربوط به حرکت‌های اعتراضی در مورد رواج روز افزون «قراردادهای موقت»، تبدیل قراردادهای دائمی به موقتی و، به طور کلی، اشاعه بی‌سابقه بی‌قانونی در روابط کار است. این مسئله، قبلاً به صورت جداگانه، در صفحات این نشریه مورد بررسی قرار گرفته است (اتحاد کار، اردیبهشت ۱۳۸۴).

تصویری که از علل و انگیزه‌های حرکت‌های کارگری در بالا ارائه شد، باری دیگر، خصلت تدافعی مقاومت و مبارزه کارگران در شرایط حاکم را آشکار می‌کند. در واقع، حکومت ملایان و سرمایه‌داران وضعیت فلاکت‌باری را بر کارگران ایران تحمیل کرده‌اند که ناگزیرند عمده‌تاً برای دریافت دستمزد و حقوق معوقه‌شان، یعنی حق ادامه حیات، و برای حفظ شغل‌شان، هرچند با نازل‌ترین دستمزد و بدون هیچ‌گونه امنیت شغلی، با چنگ و دندان مقاومت و مبارزه کنند.

### تلاش برای تشکل‌های مستقل

یکی دیگر از موضوعات مهم حرکت‌های جمعی کارگران در سال گذشته، تلاش برای پایه‌ریزی تشکل‌های مستقل کارگری است که، به ویژه، در این دوره نمودی آشکار می‌یابد ولی (به لحاظ امکان مقایسه با دوره پیشین) در ردیف «سایر» انگیزه‌ها منظور شده است. شکل‌گیری «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، پس از سال‌ها تلاش و پیکار، و به رغم همه کارشکنی‌ها و فشارهای ارگان‌های مختلف حکومتی و مدیریت این شرکت، در سال گذشته از نخستین اقدامات در این عرصه بوده است. انتشار نامه سرگشاده «هیأت مؤسسان سندیکاها کارگری»، با امضای حدود صد

بعضی از خواست‌های معترضان انجامید. اعتصاب ۱۵ روزه کارگران «نساجی کردستان» در دی‌ماه، به دلیل اخراج‌ها و نبود امنیت شغلی، در پی قول‌هایی که در مورد توقف اخراج شاغلان داده شد، به پایان رسید. اما اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ «البرز غربی» در بهمن گذشته که به دنبال خصوصی سازی این معادن و عدم پرداخت مطالبات قانونی معدنچیان شروع شده بود، بیش از ۵۰ روز ادامه داشت... در مجموع، هرچند که کل حرکت‌های کارگری گزارش شده، در قیاس با دوره قبلی، تفاوت چندانی نداشته است، اما نسبت اعتصاب‌ها به کل حرکات، در سال ۱۳۸۳، افزایش محسوسی را نشان می‌دهد.

### بحران زندگی

اگرچه بسیاری از شاخص‌های متداول اقتصادی نیز وضعیت کنونی اقتصاد بحران‌زده ایران را به روشنی نشان می‌دهند، لکن مقایسه حرکت‌های کارگری مورد بررسی برحسب رشته‌های مختلف فعالیت اقتصادی نیز می‌تواند تصویری از میزان بحران‌زدگی آنها را در دو سال گذشته نیز فراهم کند.

انتقال هرچه بیشتر و سنگین‌تر بار بحران‌گریبانگیر اقتصادی بر دوش کارگران و زحمتکشان یکی از مقاصد اصلی تعرضات گسترده حکومت ملایان و سرمایه‌داران علیه باقیمانده حقوق و «امتیازات» کارگران است و، چنان که دیدیم، عمده مبارزات و مقاومت‌های کارگران در شرایط حاکم نیز، هرچند که اشکال نسبتاً رادیکال‌تری هم به خود می‌گیرند، معطوف به دفاع از حقوق ابتدایی حیات و اشتغال آنهاست. اما، در همین حال، کارگران شاغل در برخی از بخش‌ها و رشته‌ها، خصوصاً رشته‌های صنعتی، با فشارها و مشکلات مضاعفی روبرویند و این امر نیز تنها ناشی از بحران‌های مقطعی یا دوره‌ای نبوده، بلکه از بحران ساختاری اقتصاد آشفته ایران برمی‌خیزد.



رشته‌های تولید منسوجات و چرم و پوشاک - که از باسابقه‌ترین و در عین حال مهم‌ترین بخش‌های صنعتی از حیث تأمین اشتغال محسوب می‌شده - از سال‌ها پیش دچار بحران شدید گردیده و در مسیر نابودی قرار گرفته است. از قضا، قانونی که زیر عنوان «حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور» در سال ۱۳۸۰ به تصویب رسیده و به اجرا درآمده، مزید بر علت شده و روند تعطیلی و اخراج و بیکار سازی گسترده شاغلان و نابودی این دسته از واحدهای صنعتی را سرعت افزون‌تری بخشید. به طوری که در سال گذشته نیز، همانند سال پیش از آن، بیشترین تعداد حرکت‌ها و اعتراضات کارگری در این رشته‌ها به وقوع پیوسته است (جدول شماره ۳). اما در دوره اخیر، این بحران ساختاری که در اثر افزایش

مطالبات قانونی، در مقابل استناداری کرمان دست به جمع زدند. کارگران راه‌آهن لرستان - اندیمشک در اعتراض به تصمیمات مدیریت در برابر اداره کل راه‌آهن این ناحیه اجتماع کردند.

جدول شماره ۲: اشکال اعتراضات و حرکت‌های جمعی کارگران در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

اشکال	۱۳۸۲ (درصد به کل)	۱۳۸۳ (درصد به کل)
شکایت، نامه و طومار	۵۳	۳۹
تجمع	۲۷	۳۶
تحصن و راه‌بندان و راه‌پیمایی	۸	۹
اعتصاب	۷	۹
سایر	۵	۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰

x- محاسبه بر مبنای تعداد کل حرکت‌های جمعی کارگران در هر سال که اخبار و گزارش‌های مربوط به آنها در رسانه‌های داخلی بازتاب یافته است.

اقدام به تحصن و راه‌بندان و یا راه‌پیمایی، از دیگر اشکال بروز و طرح اعتراضات کارگری بوده که در این دوره نیز، همانند گذشته، ادامه داشته است. در وضعیتی که کارگران به واسطه فقدان تشکل‌های مستقل و سراسری و نبود رسانه‌ها و دیگر امکانات مستقل نمی‌توانند صدای حق طلبانه خود را به گوش دیگران برسانند و متقابلاً، دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و اجرایی رژیم همواره سعی می‌کنند که ندای اعتراضات کارگران را در همان محل کار محاصره و خاموش نمایند، کارگران معترض می‌کوشند تا با کشاندن اعتراضات خود به جاده‌ها، خیابان‌ها، میادین و مراکز شهرها و طرح مطالبات حق طلبانه خود در انظار عمومی، حمایت کارگران و دیگر اقشار مردم را نیز جلب کنند. راه‌پیمایی بیش از ۳۰۰ کارگر «الکترونیک رشت» در ادامه تجمعات قبلی و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه، در فروردین، و بسته شدن جاده اصلی رشت - بندر انزلی به وسیله ۵۰۰ کارگر معترض «صنایع پوشش» به دلیل عدم دریافت حقوق به مدت ۴ ماه، در اسفند گذشته، دو نمونه از اینگونه حرکات بوده است. تجمع و راه‌پیمایی حدود ۹۰۰ کارگر کارخانه «پاکریس» سمنان، راه‌پیمایی ۲۰۰ تن از کارگران نساجی «نقش ایران» (قزوین) به سوی مرکز شهر، بسته شدن جاده اهواز در اثر اعتراضات کارگران «لوله‌سازی اهواز»، نمونه‌های دیگری از آنها به حساب می‌آید.

اگرچه اعتصاب در جمهوری اسلامی «غیرقانونی» و ممنوع اعلام شده و دستگاه‌های حکومتی این رژیم هم تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از وقوع - و انتشار خبر- آنها معمول می‌دارند، اما کارگران با اقدامات و حرکات متعدد خود، «قانونیت» و حقانیت این شیوه اعتراض در دفاع از خواست‌های برحقشان راه، عملاً، به اثبات رسانده‌اند. اردیبهشت سال گذشته مصادف با آغاز اعتراضات و اعتصاب گسترده در «کشت و صنعت و دامپروری مغان» آذربایجان (با حدود ۴۰۰۰ کارگر و کارمند) در رابطه با عدم پرداخت حقوق و اضافه‌کاری و تصمیمات مدیریت این واحد بوده که در ماه‌های بعدی هم، به اشکال گوناگون ادامه یافت و نهایتاً به تعویض مدیریت و تأمین

## احکام صادره از سوی دستگاه قضائی جمهوری اسلامی درباره فعالین کارگری راقویا محکوم می کنیم

بنابر احکام ابلاغ شده به وکلای ۵ تن از فعالین کارگری در شهر سقز، این فعالین به زندان و تبعید محکوم گردیده اند.

طبق این احکام برای این فعالین کارگری:

۱- محمود صالحی ۵ سال زندان و ۳ سال تبعید به شهر قروه

۲- جلال حسینی ۳ سال زندان

۳- محسن حکیمی ۲ سال زندان

۴- برهان دیوارگر ۲ سال زندان

۵- محمد عبدی پور ۲ سال زندان تعیین شده که می تواند در دادگاه بعدی

مورد تجدید نظر قرار گیرد.

این افراد به اتهام، قصد شرکت در راهپیمائی اول ماه می ۱۳۸۳ در شهر سقز و

فعالیت های سندیکائی محاکمه و بر اساس ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی

به چنین زندان های سنگین محکوم گردیده اند. مراسمی که هرگز بر گزار نشد

و تجمعی که صورت نگرفت. صدور این احکام اعتراضات وسیعی را در میان

فعالین کارگری داخل و خارج کشور وهمچنین مجامع کارگری بین المللی مانند

کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری، کمیته آزادی تشکل سازمان

جهانی کار(آ-ال - او)، کنگره کار کانادا (CLC) موجب گردیده است.

جمهوری اسلامی در طی یک سال و نیم گذشته مترصد لحظه، شرایط و

وضعیت مناسب برای گسترش تعرض و تهاجم خود به کارگران ایران بوده است

. در شرایطی که از یک سو تشکل های ضد کارگری سیاه و دست ساز رژیم

مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و تشکل های دست ساز وزارت کار

بیش از پیش در میان کارگران منفور و منزوی گردیده اند ( مراسم اول ماه مه

سال جاری انعکاس روشنی از این مساله بود) و از سوی دیگر کارگران ایران

مبارزات خود را برای برپائی تشکل های مستقل کارگری گسترش داده و

تشکل هائی مانند سندیکای کارگران شرکت واحد، کمیته پیگیری برای ایجاد

تشکل های کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، ... را

ایجاد کرده اند، صدور این احکام در چنین فضائی معنای واقعی خود را می یابد.

دولت ضد کارگری ونظام سرمایه داری ایران هر گونه تمهیدی را بکار گرفته

تا مبارزات کارگران و تشکل های مستقل کارگران و زحمتکشانشان را سرکوب

کرده و آنها را از برپائی تشکل های مستقل باز دارد. و این چنین به دلایل

واهی حقوق اولیه کارگران که در مقابله نامه های سازمان جهانی کار نیز مورد

تاکید قرار گرفته و جمهوری اسلامی نیز خود را به آن متعهد می داند، صریح و

آشکارا نقض گردیده و مورد تعرض رژیم قرار می گیرد.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ضمن اینکه قویا صدور

چنین احکامی را محکوم کرده و آنها را غیر قانونی و بی اعتبار می داند،

خواهان لغو فوری و بدون قید و شرط این احکام است.

ما تمامی فعالین کارگری، سازمان های چپ، دموکرات و آزادیخواه را فرا

می خوانیم تا ضمن اعتراض به صدور این احکام تلاش های گسترده خود

را به هر طریق ممکن برای لغو این احکام و عقب راندن دولت و نظام

جمهوری اسلامی بکار گیرند.

کمیسیون کارگری سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

اول آذر ۱۳۸۴ ۲۲ نوامبر ۲۰۰۵

سریع واردات و قاچاق روزافزون کالاهای مشابه خارجی تشدید گردیده، گریبانگیر تعداد زیادی از واحدهای صنایع غذایی (و از جمله کارخانه های قند) و صنایع لوازم خانگی (از جمله تولید تلویزیون و چینی آلات) نیز شده است. در این دسته از واحدها نیز، متعاقباً، اخراج و یا تبدیل قراردادهای دائمی به موقتی و انواع اجحافات دیگر در حق کارگران، و همچنین توقف تولید یا تعطیلی آنها، رواج فزاینده ای یافته است. با ادامه اجرای سیاست خصوصی سازی در بخش های خدماتی (خصوصاً در بیمارستان ها، مراکز آموزشی، شهرداری ها) و رونق بیش از پیش نوعی از دلالی زیر عنوان شرکت های «پیمانکاری و تأمین نیروی انسانی» (که نیروی کار مورد نیاز مؤسسات دولتی و خصوصی را به صورت «مناقصه» فراهم کرده و بدین ترتیب کارفرمای اصلی را عملاً از هرگونه مسئولیت درمورد پرداخت دستمزد و رعایت دیگر حقوق قانونی کارگران میرا می کنند)، شاغلان این رشته ها با فشارها و محدودیت های بیشتری مواجه شده اند. با تعمیم و گسترش خصوصی سازی به سایر رشته های خدماتی و تولیدی و همچنین تداوم تهاجمات کارفرمایان و مدیران علیه کارگران، دور از انتظار نیست که مقاومت ها و اعتراضات شاغلان آن رشته ها هم، در آینده، سهم و نقش افزونتری داشته باشد.

جدول شماره ۲: اعتراضات و حرکت های جمعی کارگران برحسب رشته های تولیدی در سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳

رشته ها	۱۳۸۲ (درصد به کل)	۱۳۸۳ (درصد به کل)
نساجی و پوشاک و چرم و کفش	۲۴	۲۴
ماشین سازی و صنایع فلزی	۱۰	۷
صنایع غذایی	۶	۱۰
صنایع ساختمانی و سیمان و چوب	۶	۴
نفت و گاز و پتروشیمی	۵	۱
لوازم و وسایل خانگی و اداری	۳	۱۰
معادن و صنایع معدنی	۳	۲
خدمات (کارگران شهرداری ها، بیمارستان ها و ...)	۱۲	۱۴
سایر	۳۱	۲۸
جمع	۱۰۰	۱۰۰

× - محاسبه بر مبنای تعداد کل حرکت های جمعی کارگران در

هر سال که اخبار و گزارش های مربوط به آنها در رسانه های داخلی بازتاب یافته است.

